صفحهٔ ①

کل‌گرایی، نگرشی جدید GAIA سیارهٔ زنده خودِ شعور ما ⊛ پاراگراف جدید

یک آگاهی در حال رشدی در جامعهٔ غرب وجود دارد که مفهوم عمیق‌تری نسبت به آنچه سابقاً تصور می‌شده است از رابطهٔ انسان با طبیعت را در بر می‌گیرد. این آگاهی به بهترین وجهی در یک مفهوم علمی تعبیر شده است که سیارهٔ ما به نوبهٔ خود یک موجود زنده و دارای شعور است. در حال حاضر تجدید حیاتی از این مفهوم که دیدگاه پیشینی واقع‌گرایی نامیده می‌شود [illegible] علیرغم الگوی فکری حاکم بر جامعهٔ صنعتی غرب، از حدود ۱۵۰۰ سال ⊛ دیدگاه قدیم تعبیری دارد مبنی بر اینکه انسان و تمام جانوران و گیاهان روی زمین به مثابهٔ سلول‌های بدن سیاره هستند و شعور خرد و فردی مشترک این مخلوقات به ساختن شعور کلان موجودیت سیاره کمک می‌کند. از دیدگاه اسطوره‌شناسی این موجودیت GAIA یا الههٔ زمین نامیده می‌شود. البته هیچ‌کس نمی‌تواند یک سلول در بدن شما نمی‌تواند موجودیت کلان و اهمیت انسانی شما را توصیف کند، یک موجود منفرد، یک انسان نوعی هم غیرممکن است که بتواند موجودیت کلان و اهمیت GAIA را بیان کند. فارغ از اینکه چنین امری چه اندازه مشکل خواهد بود، شعورهای جزئی قادر نیست شعور کلیت آن جزء را احاطه یابد.

⊛ اعتقادات و واقع‌گرایی: هر یک ما در ارتباط با طبیعت وجود و صفت انسانی خود دارای ساختار عقایدی داریم. گاهاً عقاید ما بازتابی از واقعیت است. گاهاً از عقاید صرفاً افسانه‌ای ساده‌ای از تصورات ما هستند. در هر دو حال، این عقاید تأثیر شگرفی بر رفتار و منش ما می‌گذارند. اکثریت جامعهٔ غرب ظاهراً اعتقادات خود را بر اصولی استوار کرده‌اند که از تمدن غرب منتج شده‌اند. این اصول اساس [illegible] هر کودکی با شیر مادران به [illegible] ما وارد می‌شوند و جزئی از ضمیر ناخودآگاه ما را تشکیل می‌دهند و غالباً مورد سؤال و چرا قرار نمی‌گیرند.

⊛ مسلمات: افراد با باورهای مذهبی گرایشی دارند به پذیرش این اصل مبنی که بیان می‌دارد: حیات ما، توسط ارادهٔ خداوند تکوین شده است که خود (خداوند) ذات اصلی است که موجودیتی مستقل از تمام مکنونات خود دارد. چنین اصلی ادعا می‌کند که نوع بشر تکوین ویژه‌ای است و شباهتی تصویری از خداوند است. این دیدگاه هم چنان باور دارد که منزلگاه اصلی ما زمین نیست بلکه بهشت یا دوزخی است که بعد از مرگ، بدانجا منتقل خواهیم شد و مقصد نهایی ما اساساً بستگی به این است که در حیات فعلی در [illegible] چه اندازه خیر یا شر بوده‌ایم.

⊛ باورهای علمی: آنکه به مذهب اعتقادی ندارد اما عالم بشری را پرستش می‌کند به پذیرش این اصل علمی مصرّند که حیات از طریق ترکیب اتفاقی مواد فاقد نیروی حیات در یک عالم بی روح به وجود آمده است. آنها به همین نظریهٔ داروین استناد می‌کنند که [illegible] حیات تحت تکامل فرایندی دچار تکامل شده است که آن را "اصل گزینش برترین" نامیده بود. آنها هم چنین معتقدند که انسان نقطهٔ اوج تکامل حیات بر روی این سیاره است و برخلاف ناتوانایی‌های واضح ذهن و شعور بشری، نوع بشر قادر به توصیف چگونگی عملکرد تمامیت جهان است.

⊛ جدایی حیات و ماده؟ فارغ از باور داشتن یا نداشتن به مذهب، بسیاری مردم تأکید می‌کنند که حیات [illegible] از ماده [illegible] جدا، گونه‌ای جدا و در عین حال در آن جای گرفته است. آنها معتقدند که حیات انسانی خصوصاً جنبهٔ فردی آن از هر شکل حیات دیگری، متفاوت و حائز اهمیت والاتری است. چنین نگرشی، آنها را به چنین موضعی می‌کشاند که آنچه که آنها بر سر جانوران می‌آورند اهمیت چندانی ندارد زیرا جانوران و گیاهان فاقد هوش و بنابراین اهمیت است و ما تنها هم به هر حال ماده‌ای فاقد نیروی حیاتند.

⊛ تغییر باورها: حتی اگر علم ما روانشناسی و اسطوره‌شناسی همواره چهارچوبی که در آن زیست جریان دارد را نیز تشریح کنند، ما اغلب باورهایمان را [illegible] دانش‌مان اصلاح می‌کنیم.

⊛ حیات سلسله‌مراتبی یکپارچه: [illegible] فرض، ما می‌دانیم که جهان [illegible] ساختاری است که به بهترین وجه توسط نوع بشر فهمیده می‌شود زمانیکه آن را بصورت سلسله‌مراتب یکپارچه به‌عنوان توصیف شود. بنابراین خلاصه به قاعدهٔ این هرم سلسله‌مراتبی نگاه کنیم، اتمها مولکول‌ها را می‌سازند و مولکول‌ها، سلول‌ها را و سلول‌ها جانداران (انسانها، گیاهان و جانوران) و گیاهان و جانوران و مانند آنها سیاره‌ها را می‌سازند. بهمین طریق، سیارات منظومهٔ شمسی را می‌سازند و الی آخر.....

⊛ ضرورت: با استفاده از مفهوم فلسفی "ضرورت" می‌دانیم که ویژگیهای جدیدی از درون هر سطح این سلسله‌مراتبی پدیدار می‌شود. بنابراین در سطح اتمی، اتمها اکسیژن و هیدروژن با هم ترکیب شده آب را می‌سازند. مجهزاً، خواص مولکول‌های آب که از اتحاد این اتمها پدید آمده اساساً از خواص هیدروژن و اکسیژن متفاوت است. بهمین طریق، مولکول‌های مجزا با یکدیگر ترکیب شده و سلول‌ها را می‌سازند و از این امتزاج، خاصیتی پدید می‌آید که آن را "حیات" می‌نامیم. کیفیت حیات والاتر چگونگی: هر چه از قاعدهٔ هرم سلسله‌مراتبی مذکور بالاتر می‌رویم، مولفه‌ها پیچیده و پیچیده‌تر می‌شوند، خواص جدیدی کشف و استخراج می‌شوند که ما آنها را شعور، اختیار، اندیشه و احساس می‌نامیم. دلیلی ندارد که ما فرض کنیم این فرایند بناگاه ختم می‌شود و [illegible] در نتیجه شگفت‌زده خواهیم بود از اینکه چه خواصی [illegible] از سطوح بالای این هرم بیرون می‌آید، سطوحی که بر فراز ما هستند و ما تنها جزء کوچکی از آن به شمار می‌رویم، زمین، منظومهٔ شمسی، کهکشان، گیتی.